

خلوت انس

<?xml encoding="UTF-8?">

در اغتنام فرصتهای ملکوتی ماه مبارك رمضان

گاهی که تنهایی، آینه برمی‌داری و به چهره خویش می‌نگری، تا نيك و بد و زشت و زیبای آن را ببینی. خلوت با خویش، برای شناخت - خود - ! شاید در حضور جمع، شرم کنی، ولی در تنهایی، خجالت و شرمی نیست، چون نگاه و مراقبتی نیست، جز همان که نگاهش همه جاهست و مراقبتش دائمی است. ماه رمضان، به نوعی فصل محاسبه است.

- محاسبه - و - مراقبه - هم يك آینه است، اما ... پیش چهره جانت و در برابر روح! و ... شاید در حضور جمع و در ازدحام روزمره‌گی نتوانی و مجالی نیابی تا از خودت حساب بکشی. اینجا هم خلوت و تنهایی و فراغت، چاره ساز است.

لحظات سرشار از برکات و معنویات رمضان از همین فراغتهای مطلوب و دوست داشتنی است.

فرصت خلوت با خویش و خداست، ساعات حضور در مجلس - مراقبه - و - محاسبه - است، موعد امتحان اخلاص است، فرصتی است تا - دفتر دل - را بگشایی و - کتاب عمل - را بازخوانی کنی.

تو که می‌گفتی: مجال و حالی نیست، گرفتاریها و مشکلات و ...

فرصتی برای - رسیدن به خود - نمی‌گذارد، اینك، این همان مجال و فرصت ناب! تو باید آموخته و تمرین کرده باشی، - تنهایی در جمع - را، - خلوت - در - ازدحام - را، - سکوت در هیاهو - را، رمضان چیست و تو در کجای این - قطعه‌ای از بهشت - قرار داری که موهبت خدا برای زمینیان است؟

با کدام دعوت به این ضیافت آمده‌ای؟

سر کدام سفره و مائده معنوی نشسته‌ای و فیض حضورت و بهره آمدنت چیست؟

این نیز نوعی محاسبه و حساب کشیدن از خویش را می‌طلبد.

سر سفره ضیافت الهی نشسته‌ای.

سحرهای پر برکت، افطارهای پرمعنویت، شبهای دعای افتتاح و کمیل، جلسات دعا و ترتیل و تلاوت و تواشیح، حالات پرجذبه انس با قرآن و مفاتیح، تهجد و سحرخیزی و چشمان بیدار قبل از فجر دعا‌های روزانه، همه و همه مائده‌های آسمانی این - شهرالله - است و تو را فرا خوانده‌اند، تا به قدر تشنگی و توان و در حد ظرفیت وجودی از این - چشمه رحمت - بنوشی و از - جان جامه تقوا - بیوشی و در راه عبودیت خدا بکوشی.

اینك که آمده‌ای و مهمان این بزم حضوری، وقت تنگ و مجال گذرا را باید مغتنم شمرد.

با چه آمده‌ای و با چه باز می‌گردی؟

و کدام تغییر حالت و خصلت و عادت را از این - ماده خودسازی - به ارمغان خواهی برد؟

خودمانی بودن با خدا هم موهبتی است! کسی نیست که بشنود، خودت هستی و خدایت.

با خودت صمیمی باش، يك رو و خودمانی و بی‌پرده.

کمی در کوچه پس کوچه‌های روح خویش بگردد.

لحظاتی - کارنامه - خود را مرور کن، چه می‌بینی؟...

نقاط روشن آن بیشتر است، یا نقاط تیره‌اش؟

- حسنات - و - سیئات - ، چه نسبتی با هم دارند؟

ماه‌ها انتظار می‌کشیدی که باز هم - ماه خدا - فرا رسد و دست نیاز و پای طلب، به این آستان و این سوی ، برآوری و بکشی.

برای فرا رسیدن دوباره - شبهای قدر - لحظه شماری می‌کردی.

هنوز لذت اشک ریختن‌ها و نالیدن‌ها و تضرع‌های شبهای - احیاء - در کام جانت باقی است و طراوت معنویت بار آن همخوانی و همنالی با انبوه خداجویان عاشق و صادق، هنوز هم چون نسیمی خوشبوی، فضای جانت را معطر ساخته است.

بنا بود در رمضان گذشته ، آمرزیده شوی و - غفران الهی - را چون مدالی بر گردن بیاویزی، اما چه شد؟

امسال، رمضان همان حال و هوای معنوی را دارد.

رحمت الهی همیشه جاری و ساری است ، اگر کوتاهی است، از ماست. - گر گدا کاهل بود، تقصیر صاحبخانه

چیست؟ - آن اشکها و ناله‌ها چه شد و کجا رفت؟

تنها برای آن چند - شب قدر - نبود.

قرار نبود که آن گریه‌ها و تضرع‌ها و از عمق جان به درگاه خدا نالیدن‌ها و خود را حقیر و فقیر و مسکین و نیازمند

دیدن و دانستن‌ها مخصوص - شبهای احیا - باشد و در فضای مسجد و مصلا جا بماند.

امسال هم، قرار نیست که تاملات رمضان را، شبهای سرنوشت ساز قدر را، لحظات نورانی و عرفانی سحر را، حالات

خوش جلسات دعا و قرآن را، حضور قلب نماز شب و نوافل را در ماه رمضان جا بگذاری و باز هم عریان از این

همه جامه‌های بهشتی، وارد شوال شوی.

پس - عید فطر - برای چیست؟

آنچه عیدی خواهی گرفت، باید در طول سال و همه عمر، همراه داشته باشی، خرجش نکنی، جایی جا نگذاری، گم

نکنی، از دستت نگیرند ...

راستی ... سوغات در این سفر معنوی به - شهر الله - چیست؟

باری ... آینه بردار، کمی در خویش بنگر، در خلوت خویش، با خودت صمیمی باش.

کیستی، کجایی؟ چه می‌کنی؟ چه داری؟

رمضان را مفت از کف مده!